رویش روان شناسی، سال۱۰ ، شماره۵، شماره پیاپی ۶۲، مرداد ۱۴۰۰
Rooyesh-e-Ravanshenasi Journal(RRJ),10(5), 2021

بررسی نقش واسطه ای قدردانی در رابطه بین جهت گیری مذهبی و رضایت زناشویی زنان

Investigating the Mediating Role of Gratitude in the Relationship Between Religious Orientation and Marital Satisfaction

سعید ایمانی
استادیار گروه روان شناسی بالینی و سلامت، دانشکده علوم تربیتی و روان شناسی، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران.
مونا باغبانی نادر
کارشناسی ارشد مشاوره خانواده، دانشکده علوم تربیتی و روان شناسی، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران.
علی حسین زاده اسکوئی
دانشجوی دکتری، روانشناسی بالینی، گروه روانشناسی بالینی، دانشکده پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، تهران، ایران.
مهین نوروزی دشتکی (نویسنده مسئول)
کارشناسی ارشد مشاوره خانواده، دانشکده علوم تربیتی و روان شناسی، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران.

Saeed Imani
Assistant Professor in Health and Clinical Psychology, Faculty of Educational Sciences and Psychology, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran.
Mona Baghbani Nader
M.A. in Family Counseling, Faculty of Educational Sciences and Psychology, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran.
Ali Hosseinzadeh Oskooi
PhD Student, Clinical Psychology, Department of Clinical Psychology, School of Medicine, Shahid Beheshti University of Medical Sciences, Tehran, Iran.
Mahin Noroozi Dashtaki *
M.A. in Family Counseling, Faculty of Educational Sciences and Psychology, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran.
noroozimahin@yahoo.com

چکیده

هدف از این پژوهش تعیین رابطه جهت گیری مذهبی و رضایت زناشویی با نقش واسطه ای قدردانی بود. این مطالعه توصیفی-تحلیلی، به روش همبستگی و با استفاده از تحلیل مسیر انجام شد. در این پژوهش ۱۴۸ نفر از معلمان و مهارت آموزان مرکز آموزش عالی شهید مدنی (ره) قم به روش نمونه گیری تصادفی انتخاب شدند و به پرسشنامه رضایت زناشویی (اولسون و همکاران، ۱۹۸۹)، آزمون جهت گیری مذهبی (آلپورت و راس، ۱۹۵۰) و پرسشنامه قدردانی (مک کلاف، ایمونز و سانگ، ۲۰۰۲) پاسخ دادند. برای تحلیل داده ها علاوه بر روش های توصیفی، از روش الگویابی معادلات ساختاری و برای بررسی اثرات واسطه ای از روش بوت استراپ استفاده شد. یافته‌های پژوهش نشان دادند که جهت گیری مذهبی درونی و قدردانی با رضایت زناشویی رابطه مثبت و معنادار و جهت گیری مذهبی بیرونی با رضایت زناشویی رابطه منفی و معناداری دارد (P <۰/۰۱) همچنین تحلیل الگوی معادلات ساختاری، برازندگی الگوی پیشنهادی با داده های تجربی را تأیید نمود. نتایج حاکی از اثر مستقیم جهت گیری مذهبی درونی و بیرونی بر رضایت زناشویی و اثر غیرمستقیم این متغیر از راه قدردانی بر رضایت زناشویی بود. با توجه به نتایج پژوهش، می توان نتیجه گرفت که در ارتباط بین جهت گیری مذهبی و رضایت زناشویی، قدردانی نقش واسطه ای دارد.

واژه‌های کلیدی: *جهت گیری مذهبی، رضایت زناشویی، قدردانی.*

Abstract

The purpose of this study was to investigate the relationship between religious orientation and marital satisfaction with the mediating role of gratitude. This is a descriptive-analytical study, was performed using correlation and path analysis .In this study, 148 teachers and students of Cultural Official of Qom were selected by random sampling and completed the Marital Satisfaction Questionnaire (Olson and et al,1989), the Religious Orientation Questionnaire (Allport & Ross, 1950), and the Gratitude Questionnaire (McClough, Ammons & Sang, 2002). For data analysis, In addition to descriptive methods, structural equation model and Boot strop were used (P<0/01). Structural equation model analyses emphasize the fitness of the proposed model with empirical data. The results indicated a direct effect of religious orientation on marital satisfaction and the indirect effect of this variable through gratitude on marital satisfaction. According to the results of the study, it can be concluded that gratitude plays a mediating role in the relationship between religious orientation and marital satisfaction.

Keywords: *Scheme of emotional therapy, emotional anesthesia, emotional simplification, mental retardation.*

نوع مقاله : پژوهشی **دریافت : بهمن ۹۹** **پذیرش: فروردین ۱۴۰۰** **ویرایش نهایی : مرداد ۱۴۰۰**

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-10-09]

[DOR: 20.1001.1.2383353.1400.10.5.8.6]

مقدمه

ازدواج به عنوان اصلی‌ترین و مهم‌ترین رابطه‌ی میان انسان‌ها توصیف شده است که باعث تشکیل خانواده می‌شود. این در حالی است که خانواده یک واحد اجتماعی بنیادین است که زمینه رشد و پیشرفت انسان‌ها را فراهم می‌سازد (لاونر و کلارک[1] ۲۰۱۷). از پیامدهای مثبت ازدواج، رضایت زناشویی[2]است که یک وضعیت پایدار از خوشحالی است که بر اثر تعامل عواملی فرهنگی-اجتماعی، اقتصادی، رضایت جنسی و توافق بر سر مسائل مختلف به وجود می‌آید. رضایت زناشویی یک عنصر حیاتی برای ادامه زندگی مشترک به شمار می‌رود و از عوامل کلیدی در ارزیابی کیفیت و تداوم روابط زناشویی، ثبات و خشنودی ازدواج محسوب می‌شود (فونتز و ایگلسیس[3] ۲۰۱۴؛ توکلی، بهبودی، مقدم، نصرآبادی، لسان‌زاده و اسماعیلی، ۲۰۱۶). همسرانی که در رابطه طولانی مدت زناشویی خود راضی‌تر هستند، خوشحال‌تر، سالم‌ترند و در نتیجه طول عمر بیشتری خواهند داشت (هاشمیه، آزگلی، ابوالمالی و نصیری، ۲۰۱۷). از طرفی عدم رضایت زناشویی یکی از عوامل بی‌ثباتی زندگی زناشویی به شمار می‌رود (فلدهاوس و هینتز-مارتین[4] ۲۰۱۵). لذا به نظر می‌رسد کاهش رضایت زناشویی خطر جدی جدایی را درپی دارد (بلاچ، هاس و لونسون[5] ۲۰۱۴).

میزان ناسازگاری زناشویی و نرخ طلاق در بسیاری از جوامع و همچنین در جامعه‌ی ما روبه افزایش است و این افزایش تا حدی است که ایران چهارمین کشور جهان از نظر نسبت طلاق به ازدواج معرفی شده‌است و برخی از کشورها را با بحران مواجه کرده است (نریمانی، عباسی، بیگیان کله مرز و بختی، ۱۳۹۳؛ برگر، لینچ، پروز، سیگل و مایرز[6] ۲۰۱۳). براین اساس توجه، مطالعه و پژوهش در زمینه‌ی عوامل مؤثر بر رضایت زناشویی مهم و اساسی است. در دهه‌ی گذشته پژوهشگران بسیاری عوامل مؤثر بر رضایت زناشویی را مورد بررسی قرار دادند (برگر و همکاران، ۲۰۱۳) و نشان داده شد که عوامل زیادی بر رضایت زناشویی تاثیر می‌گذارند و به طور قاطع یک عامل خاص نمی‌تواند رضایت کامل زناشویی را تضمین کند (رستمی، طاهری، عبدی و کرمانی، ۲۰۱۴). جهت‌گیری مذهبی[7]از جمله عواملی است که می‌تواند بر رابطه زوجین تأثیر بگذارد؛ زیرا دین شامل مجموعه دستورالعمل‌هایی برای زوجین است (ایمان، لهسایی زاده و یادعلی جمالویی، ۲۰۱۴). جهت‌گیری مذهبی توسط آلپورت و راس تعریف شده و نشان‌دهنده نگرش فرد به مذهب است. بر این اساس جهت‌گیری مذهبی به دو نوع درونی و بیرونی تقسیم می‌شود. افرادی که دارای جهت گیری مذهبی بیرونی هستند کمتر در آیین‌های مذهبی شرکت می‌کنند و از معنای دین برای رسیدن به اهدافشان استفاده می‌کنند. آن‌ها همچنین برای شکل‌گیری یا حفظ روابط اجتماعی خود، امنیت، راحتی، معاشرت و توجیه اعمالشان از مذهب استفاده می‌کنند. در طرف دیگر، کسانی قرار دارند که دین را هدف اصلی زندگی خود می‌دانند و مهم‌ترین بخش زندگی آن‌ها را تشکیل می‌دهد. چنین افرادی دارای جهت‌گیری مذهبی درونی هستند و دین همه جوانب زندگی آن‌ها تحت تأثیر قرار می‌دهد (آلپورت و راس[8] ۱۹۶۷). جهت‌گیری‌های مذهبی می‌تواند بر روابط زناشویی تأثیر بگذارد؛ زیرا دین شامل راهنمایی-هایی برای زندگی است و سیستم اعتقادات و ارزش‌ها را ارائه می‌دهد که می‌تواند بر زندگی زناشویی تأثیر بگذارد (حاجی حسنی و سیم[9]، ۲۰۱۹). مطالعات متعددی رابطه بین مذهب و رابطه زناشویی را مورد بررسی قرار دادند. نشان داده شد که مذهب بر رابطه، تعهد و فرزندآوری تأثیر می‌گذارد (ایمان، لهسایی‌زاده و یادعلی‌جمالویی، ۲۰۱۴) و ارتباط باثبات و محکمی با پیامدهای مثبت زندگی زناشویی دارد (برایت‌وایت، گون، کریستی، وایل، اوستین و همکاران[10]؛ ۲۰۱۵). ارتباطات مذهبی مشترک بین زوجین، به طور مسقیم بر کیفیت زندگی زناشویی اثر مثبتی دارد (دیوید و استافورد[11]، ۲۰۱۵، ۲۰۱۳) و چنانچه آن‌ها در مورد مذهب با یکدیگر به توافق برسند، از رضایت

1 -Lavner & Clark
2 -Marital Satisfaction
3 -Fuentes & Iglesias
4 -Feldhaus& Heintz-Martin
5 -Bloch, Haase, & Levenson
6 -Berger, Lynch, Prows, Siegel & Myers
7 -Religious orientation
8 -Allport & Ross
9 -Sim
1 -Braithwaite, Gwen, Kersti , Will , Austin, Kell0 Cassidy & Dustin
1 -David & Stafford 1

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-10-09]
[DOR: 20.1001.1.2383353.1400.10.5.8.6]

زناشویی بیشتری برخودار خواهند بود (عبدالله[1] ۲۰۱۷). همچنین زوج‌هایی که معمولاً دارای مذهب یکسان هستند و از آن‌ها به عنوان زوج‌های همگن یاد می‌شود، به دلیل ارزش‌ها و باورهای مشترک در زمینه مذهب و خانواده، در ازدواج خود رضایت بیشتری را گزارش می‌دهند (برایت ویت و همکاران، ۲۰۱۵). به طوری که زوج‌هایی که هردو متعهد به مذهب بودند، میزان رضایت زناشویی آنها بیش از زوج‌های بدون تبعیت از دین بود و دینداری نقش مهمی در حفظ روابط عاشقانه برای همسران ایفا می‌کند و عامل مهمی در پیش بینی رضایت زناشویی است (برایت ویت و همکاران، ۲۰۱۵, یگانه و شیخ‌محمدی، ۲۰۱۳). بنابراین ارتقاء باورها و تعهدات دینی و مذهبی می‌تواند رضایت زناشویی آن‌ها را افزایش دهد (جعفری، نیسانی سامانی، فاطمی، تعاونی و ابوالقاسمی، ۲۰۱۵).

عامل دیگری که به نظر می‌رسد، می‌تواند زوج‌ها را به هم وصل کند، قدردانی[2]است (بارکر،[3] ۲۰۱۵). قدردانی و سپاس‌گزاری از صفات اخلاقی و منش‌های مطلوب اجتماعی و رفتارهای محبت‌آمیز افراد است و نه‌تنها نقش مهمی در سلامت روان انسان‌ها دارد، بلکه انگیزه تکرار و تداوم و فراوانی رفتارهای مطلوب آنان را دوچندان می‌کند (مک‌کلاف، ایمونز و سانگ،[4] ۲۰۰۳). ابراز قدردانی یکی از ابزارهای برقراری ارتباط موثر است که به انسان ها کمک کرده است تا قرن‌ها روابط محکم‌تری برقرار کنند و یک عنصر مهم برای هر ازدواج موفقی است. تجربه قدردانی برای خود و دیگران به‌ویژه شریک زندگی زناشویی مفید است (چانگ، لی، تنک، برکی و چن،[5] ۲۰۱۳) و به‌عنوان انسان، هر فردی به‌ویژه در روابط نزدیک باید مورد احترام و قدردانی واقع شود (پالمر،[6] ۲۰۱۸). تحقیقات شان می‌دهد خلق و خوی قدردانی و بیان آن با رضایت زناشویی در ارتباط است (لئونگ، چن، فانگ، بوند، سیو و ژو،[7] ۲۰۲۰). ابراز قدردانی صادقانه روشی است که معمولاً در روابط نادیده گرفته می‌شود، اما پرورش چنین احساساتی، تعاملات مثبتی را برای حفظ آن‌ها تقویت می‌کند، خوشبختی رابطه را افزایش می‌دهد و سازنده یک رابطه قابل‌اعتماد می‌شود؛ به گونه‌ای که قدردانی هر دو طرف رابطه از یکدیگر خرسندی رابطه را افزایش می‌دهد؛ در حالی که عدم قدردانی هر دو زوج به شدت بر رضایت از رابطه تأثیر منفی دارد. همچنین قدردانی کم یکی از زوجین سبب تضعیف رابطه و مختل کننده رضایت از رابطه خواهد بود (مگ نولتی و دوگاس،[8] ۲۰۱۹). تجربه قدردانی در زوج‌ها باعث حل اختلاف بیشتر، تقویت قدردانی از یکدیگر و باعث رشد این احساس که تلاش‌های شخصی ارزشمندند، می‌شود. این کارکردهای قدردانی در ازدواج کمک می‌کند که نیاز انسان به ارزش، تمایل به ارتباط با عزیزان و انگیزه برای حفظ رابطه شخص افزایش یابد (پالمر، ۲۰۱۸) تجربه و ابراز قدردانی ثبات روابط را امکان پذیر می‌سازد تا هر دو شریک احساس رضایت کنند و از جنبه‌های مهم پیشرفت و ارتباط زناشویی مثبت است که بهزیستی شخصی و رابطه‌ای را درپی دارد (آلگو و ژوانگ،[9] ۲۰۱۶). بیان قدردانی در ازدواج نشان از امیدواری در رابطه است و باعث نتایج مثبت زناشویی می‌شود (بارتن، فوتریس و نیلسن،[10] ۲۰۱۵). هرچه قدردانی بیشتر ابراز شود باعث احساس نزدیکی زوج‌ها، تعهد بیشتر در رابطه، اصلاح رفتارها، رضایت و ثبات (گوردن، ایمپت، کوگن، اویس و کلنتز،[11] ۲۰۱۲، کوسباکا، فینکنوئر، رزبلت و کیسز،[12] ۲۰۱۱، آلگو، گابل و مسیل،[13] ۲۰۱۰)، پاسخگویی بیشتر به نیازهای همسر و قدردانی بیشتر می‌شود (گاردن و همکاران، ۲۰۱۲)؛ بنابراین احساس قدردانی برای دوام روابط ضروری است (جول، گاردن، ایمپت، مک‌دونالد و کلتنر،[14] ۲۰۱۳) و ابراز آن، اغلب سطح شادی روابط را افزایش می‌دهد (اوکانل، اوشی و گلاگر،[15] ۲۰۱۶).

1 -Abdullah
2 -Gratitude
3 -Barker
4 -McCullough, Emmons & Tsang
5 -Chang, Li, Teng, Berki, Chen
6 -Palmer
7 -Leong, Chen, Fung, Bond, Siu, Zhu
8 -McNulty & Dugas
9 -Algoe & Zhaoyang
10 -Barton, Futris & Nielsen
11 -Gordon, Impett, Kogan, Oveis & Keltner
12 -Kubacka, Finkenauer, Rusbult & Keijsers
13 -Maisel & Gable
14 -Joel, Gordon, Impett, Macdonald & Keltner
15 -O'Connell, O'Shea & Gallagher

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-10-09]
[DOR: 20.1001.1.2383353.1400.10.5.8.6]

افزایش سرسام‌آور نرخ طلاق و کم شدن طول مدت ازدواج و یا زندگی اجباری، بررسی این موضوع را ضروری می‌کند که رضایت زناشویی به چه معناست و چه عواملی باعث دوام آن و کدام عوامل موجب گسسته شدن پیوند زناشویی می‌شود. در دهه‌های اخیر توجه بسیاری از پژوهشگران و متخصصان بالینی و خانواده به کیفیت روابط زناشویی، رضایت زناشویی و تأثیر آن بر سلامت و بهداشت خانواده جلب شده است (واین[1] ۲۰۱۶). همچنین خانواده به لحاظ کارکردهای مهمی که در جامعه دارد، ازجمله نهاده_های مورد مطالعه پژوهشگران است و رضایت زناشویی به‌عنوان یکی از عوامل مهم و اثرگذار بر خانواده به‌عنوان شاخصی از سلامت روابط زوج‌ها، پیش از همه مورد توجه قرار گرفته است. ازآن‌جا که جهت‌گیری مذهبی و قدردانی می‌توانند در بهبود روابط زوج‌ها و افزایش رضایت زناشویی مؤثر باشند، این پژوهش برآن است که رابطه جهت‌گیری مذهبی و رضایت زناشویی را با نقش واسطه ای قدردانی بررسی نمایند.

روش

روش پژوهش حاضر از نوع توصیفی-همبستگی از نوع معادلات ساختاری (تحلیل مسیر) است. جامعه آماری پژوهش حاضر را کلیه معلمان و مهارت‌آموزان متأهل (زن) دانشگاه شهید مدنی شهر قم که در سال تحصیلی ۹۷-۱۳۹۶ و ۹۸-۱۳۹۷ مشغول به تحصیل بودند (۲۴۰ نفر)، تشکیل می‌دهد. با استفاده از روش نمونه‌گیری تصادفی با در نظر گرفتن جدول کرجسی-مورگان، تعداد ۱۴۸ نفر انتخاب و ابزار سنجش در میان آن‌ها توزیع شد. از این تعداد ۲۱ نفر بین سن ۲۵-۲۲، ۵۶ نفر بین سن ۳۰-۲۶، ۲۸ نفر بین سن ۳۵-۳۱ و ۴۳ نفر بین سن ۴۰-۳۶ قرار داشتند. ۵۵ نفر از افراد نمونه دارای یک فرزند، ۴۰ نفر دارای دو فرزند، ۲۱ نفر دارای سه فرزند و ۱۵ نفر دارای چهار فرزند و بیشتر بودند. همچنین ۱۷ نفر فاقد فرزند بودند.

ابزار سنجش

پرسشنامه رضایت زناشویی:[2] این پرسشنامه توسط اولسون و همکاران[3](۱۹۸۹) طراحی شده‌است که به منظور ارزیابی زمینه‌های بالقوه مشکل‌زا یا شناسایی زمینه‌های نیرومندی و پربارسازی روابط زناشویی به کار رفته‌است و به عنوان یک ابزار معتبر در تحقیقات متعددی برای بررسی رضایت زناشویی مورد استفاده قرار گرفته‌است. فرم اصلی آزمون رضایت زناشویی انریچ از ۱۲ مقیاس (شامل ۱۱۵ سوال) تشکیل شده‌است که شامل مولفه‌های شخصیتی، ارتباط، حل تعارض، فعالیت های تفریحی، رابطه جنسی، خانواده و دوستان، مدیریت مالی و جهت‌گیری مذهبی است که به جز مقیاس اول آن که پنج سوال داشته بقیه مقیاس ها شامل ۱۰ سوال است. این آزمون به صورت پنج گزینه‌ای (از نوع لیکرت) است. برای هر یک از ماده‌ها پنج گزینه کاملاً موافقم، موافقم، نه موافق نه مخالف، مخالفم و کاملاً مخالفم وجود دارد که به آن‌ها نمره‌ای از یک تا پنج تعلق گرفته و در نهایت مجموع ماده‌های هر مقیاس محاسبه شده و در پنج سطح خیلی بالا، بالا، متوسط، پایین و خیلی پایین تفسیر می‌گردد. اعتبار فرم اصلی این آزمون با روش ضریب آلفای کورنباخ ۰/۹۲ گزارش شده است. سلیمانیان (۱۳۷۳) فرم اصلی این آزمون را در ایران هنجاریابی کرده است و تعداد سوالات آن را از ۱۱۵ به ۴۷ سوال کاهش داده است. میزان اعتبار فرم کوتاه شده این آزمون با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ ۰/۹۵ گزارش شده‌است.

پرسشنامه قدردانی:[4] این پرسشنامه توسط مک کلوف و همکاران طراحی شده‌است (مک کلوف، امونز و سانگ[5] ۲۰۰۲) و مشتمل بر شش گویه می‌باشد که به صورت کاملاً مخالفم (۱) تا کاملاً موافقم (۷) نمره‌گذاری می‌شود و دو گویه از سوالات مقیاس، به صورت معکوس نمره‌گذاری می‌شوند. هر گویه، میزان و شدت قدردانی را که فرد تجربه می‌کند، اندازه گیری می‌کند. اعتبار درونی پرسشنامه قدرانی از ۰/۸۲ تا ۰/۸۷ متغیر است. این اندازه‌گیری در طول هر دو پیش آزمون و پس آزمون اندازه گیری شده‌است. در ایران، آلفای کورنباخ این پرسشنامه از ۰/۷۵ تا ۰/۸۲ گزارش شده است (آقابابایی، ۱۳۸۹). ضریب پایایی این پرسشنامه در پژوهش کدخدازاده، مهرابی و کلانتری (۱۳۹۴) با روش آلفای کورنباخ ۰/۷۳ برآورد گردید.

1 -Wynne
2 -Enrich Marital Satisfaction Scale (EMS)
3- Olson, McCubbin, Barnes, Muxen, Larsen & Wilson
4 -Gratitude Questionnaire-6 (GQ-6)
5 -McCullough, Emmons & Tsang

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-10-09]
[DOR: 20.1001.1.2383353.1400.10.5.8.6]

آزمون جهت‌گیری مذهبی[1]: این مقیاس در سال ۱۹۵۰ توسط آلپورت و راس جهت سنجش جهت‌گیری‌های درونی و بیرونی مذهبی تهیه شد و شامل ۲۱ عبارت چهار گزینه‌ای (از کاملاً مخالفم تا کاملاً موافقم) است. آلپورت و راس (۱۹۶۷) همبستگی جهت‌گیری درونی و بیرونی را ۰/۲۱- گزارش کردند. آزمون جهت‌گیری مذهبی یک مقیاس ۲۰ سوالی است که ۱۱ سوال آن به جهت‌گیری مذهبی بیرونی و ۹ سوال دیگر آن به جهت‌گیری درونی اختصاص دارد. حاصل انجام این آزمون، دو نمره مربوط به جهت‌گیری مذهبی درونی و جهت‌گیری مذهبی بیرونی برای هر فرد است. فگین[2](۱۹۶۳) یک نسخه ۲۱ سوالی ارائه نمود که تمام سوالات آلپورت را به اضافه یک سوال دیگر در بر می‌گیرد. این سوال همبستگی مثبت بالایی (۰/۶۱) با مقیاس بیرونی آلپورت دارد (مختاری و همکاران، ۱۳۸۰). در پژوهش حاضر فرم ۲۱ سوالی به کار گرفته شده است. شیوه نمره‌گذاری این ابزار بر اساس مقیاس لیکرت است که دامنه آن از کاملاً موافق تا کاملاً مخالف بوده و به پاسخ ها نمره یک تا پنج تعلق می‌گیرد. بدین ترتیب که گزینه الف، نمره یک، گزینه ب نمره دو، گزینه ج نمره چهار و گزینه د نمره پنج و عبارات بدون پاسخ نمره سه گرفته‌اند. جمع امتیاز عبارات ۱ تا ۱۲ میزان جهت‌گیری مذهبی بیرونی آزمودنی و مجموع نمرات عبارت های ۱۳ تا ۲۱ جهت‌گیری مذهبی درونی او را مشخص کرده که به صورت معکوس نمره گذاری شده است. در مطالعات فیگن (۱۹۶۳) همبستگی بین جهت‌گیری درونی و بیرونی ۰/۲ بود که به همبستگی محاسبه شده آلپورت (۰/۲۱) بسیار نزدیک است. اعتبار پرسشنامه توسط جان بزرگی (۱۳۷۷) بر اساس آلفای کورنباخ به میزان ۰/۷۱ و پایایی بازآزمایی آن ۰/۷۴ به دست آمده است (مختاری و همکاران، ۱۳۸۰). در پژوهش صدری دمیرچی، مجرد و پیرقلی کیوی (۱۳۹۸) اعتبار پرسشنامه با استفاده از آلفای کورنباخ ۰/۷۳ محاسبه شده است.

یافته‌ها

میانگین و انحراف استاندارد متغیرهای بررسی شده و زیر مقیاس‌های آن‌ها در کل نمونه و همچنین ضرایب همبستگی بین متغیرها در جدول ۱ نشان داده شده اند.

جدول ۱. میانگین، انحراف استاندارد و همبستگی های متقابل نمره های جهت گیری بیرونی و درونی، قدردانی و رضایت زناشویی

متغیرها	M	SD	۱	۲	۴	۵
۱-جهت گیری بیرونی	۲۳/۶۱	۵/۰۶۴	۱			
۲-جهت گیری درونی	۲۰/۴۸	۴/۱۵۴	-۰/۳۱۰**	۱		
۳-قدردانی	۲۰/۵۲	۳/۰۹۲	-۰/۴۱۵**	۰/۴۲۴**	۱	
۴- رضایت زناشویی	۴۳۲/۹۴	۵۴/۰۷	-۰/۴۳۶**	۰/۴۶۲**	۰/۵۹۵**	۱

** P ‹0/01 * P ‹0/05

جهت بررسی رابطه بین متغیرهای جهت گیری درونی، جهت گیری بیرونی، قدردانی و رضایت زناشویی از ضریب همبستگی پیرسون استفاده شد. جدول ۱ ماتریس همبستگی بین متغیرها را در کل نمونه نشان می‌دهد. با توجه به نتایج جدول ۱ تمام متغیرها با یکدیگر رابطه معناداری دارند. همان طور که ماتریس همبستگی نشان می‌دهد رضایت زناشویی همبستگی معنی‌داری با جهت‌گیری مذهبی درونی (P<۰/۰۱، r= ۴۶۲)، جهت‌گیری مذهبی بیرونی (P<۰/۰۱، r=۴۳۶) و قدردانی (P<۰/۰۱، r=۵۹۵) دارد. به منظور بررسی نقش واسطه-ای قدردانی در رابطه بین جهت گیری مذهبی با رضایت زناشویی، از تحلیل مسیر و با استفاده از ضرایب استاندارد و سطح معناداری انجام شده است (شکل ۱). مقدار مسیرهای ارتباط متغیرها با استفاده از مدل ساختاری به دست آمده در جدول ۱ آورده شده است.

1 - Religious Orientation Scale (ROS)
2 -Feagin

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-10-09]
[DOR: 20.1001.1.2383353.1400.10.5.8.6]

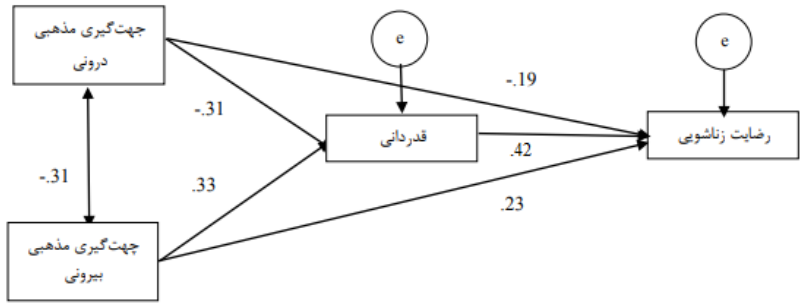

شکل ۱. مدل تحلیل مسیر برای نقش واسطه گری قدردانی برای اثر ابعاد جهت گیری مذهبی بر رضایت زناشویی

جدول ۲. مقایسه شاخص های برازش الگوی پیشنهادی و تجربی

الگو	χ^2/df	RMSEA	SRMR	CFI	GFI	NNFI	IFI
الگوی تجربی	۲/۵۳	۰/۰۶۴	۰/۰۵۲	۰/۹۲	۰/۹۱	۰/۹۰	۰/۹۲

با توجه به یافته‌های جدول ۲، الگوی پیشنهادی پژوهش در تمام شاخص‌های برازندگی مانند NFI، CFI، GFI دارای برازش خوبی است، شاخص‌های برازش الگوی تجربی بیانگر آن هستند که داده‌های به دست آمده با الگوی مفهومی (پیشنهادی) مطابقت می‌کنند. به بیان دیگر، داده‌ها و الگوی تجربی با یکدیگر هم‌خوانی دارند و داده‌ها از الگوی تجربی پشتیبانی می‌کنند.

جدول ۳. مقادیر ضرایب اثر مستقیم بین جهت گیری های مذهبی و قدردانی با رضایت زناشویی

			ضرایب اثر مستقیم	sig
جهت گیری درونی	←	قدردانی	۰/۳۲۶	<۰/۰۱
جهت گیری درونی	←	رضایت زناشویی	۰/۲۲۵	<۰/۰۱
جهت گیری بیرونی	←	قدردانی	-۰/۳۱۳	<۰/۰۱
جهت گیری بیرونی	←	رضایت زناشویی	-۰/۱۹۲	<۰/۰۱
قدردانی	←	رضایت زناشویی	۰/۴۲۰	<۰/۰۱

همانگونه که در جدول ۳ و شکل ۱ ملاحظه می‌شود، ضریب استاندارد تمامی مسیرها از متغیر جهت‌گیری مذهبی درونی و جهت گیری مذهبی بیرونی به قدردانی و رضایت زناشویی معنادار است. جهت‌گیری مذهبی درونی اثر مثبت بر قدردانی و رضایت زناشویی دارد. در مقابل جهت گیری مذهبی بیرونی اثر منفی بر قدردانی و رضایت زناشویی دارد. تاثیر قدردانی نیز بر رضایت زناشویی مثبت می‌باشد.

جدول ۴. نتایج بوت استراپ برای بررسی اثر غیرمستقیم جهت گیری های مذهبی بر رضایت زناشویی از طریق متغیر واسطه‌ای قدردانی

مسیر واسطه‌ای			ضرایب اثر غیرمستقیم	sig
جهت گیری درونی	قدردانی	رضایت زناشویی	۰/۱۳۷	<۰/۰۱
جهت گیری بیرونی	قدردانی	رضایت زناشویی	-۰/۱۳۲	<۰/۰۱

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-10-09]
[DOR: 20.1001.1.2383353.1400.10.5.8.6]

در جدول ۴ نتایج مربوط به ضرایب اثرغیرمستقیم جهت‌گیری‌های مذهبی بر رضایت زناشویی، از طریق متغیر واسطه‌ای قدردانی نشان داده شده است. همانطور که نشان داده شده است تمامی ضرایب محاسبه شده معنی دار است (P<۰/۰۱). با توجه به نتایج جدول و معنی‌داری ضرایب غیرمستقیم بدست آمده، فرضیه پژوهش مبنی بر نقش واسطه‌ای قدردانی در رابطه بین جهت گیری های مذهبی و رضایت زناشویی مورد تأیید قرار می‌گیرد.

بحث و نتیجه‌گیری

هدف از انجام این پژوهش بررسی نقش واسطه‌ای قدردانی در رابطه بین جهت‌گیری‌های مذهبی و رضایت زناشویی در دانشجویان زن متأهل است. یافته های پژوهش در سه بخش قابل بحث است. در وهله اول نتایج نشان داد که جهت‌گیری مذهبی درونی رابطه مثبت و مستقیمی با رضایت زناشویی دارد در حالی که جهت‌گیری مذهبی بیرونی دارای رابطه منفی با رضایت زناشویی است. این یافته‌ها همسو با نتایج پژوهش محققانی چون یگانه (۲۰۱۳)، ایمانی (۲۰۱۴)، صاعی، مازاور و جنسن (۲۰۱۴)، جعفری و همکاران (۲۰۱۵)، برایت وایت و همکاران (۲۰۱۵)، دیوید و استافورد (۲۰۱۵)، عبدالله (۲۰۱۷) و حاجی حسنی و سیم (۲۰۱۹) است.

در تبیین نتایج به دست آمده می‌توان گفت که در جوامع مختلف ازدواج به عنوان یک مراسم مذهبی در نظر گرفته می‌شود و مذهب تأکید زیادی بر ازدواج دارد و زوجینی که به دین باور دارند، تعهدات زناشویی و بالتبع آن رابطه زناشویی قوی‌تری دارند (اسپیکلا اسپیلکا، هود و هونسبرگر، ۲۰۱۳؛ ترجمه دهقانی، ۱۳۹۷؛ اکستین، اکستین و اکستین [1] ۲۰۱۳). به طور کلی می‌توان چند دلیل برای تأثیر جهت‌گیری‌های مذهبی بر روابط زناشویی به ویژه رضایت زناشویی عنوان کرد. نخست اینکه آن دسته از زوجینی که جهت‌گیری مذهبی درونی دارند، به طور موثرتری در مقایسه با افرادی که جهت‌گیری مذهبی بیرونی دارند، در مورد مشکلات ارتباطی خود بحث و گفت‌وگو می‌کنند و از لحاظ لفظی و زبانی حساس‌تر هستند. آن‌ها از مهارت‌های ارتباطی استفاده می‌کنند که احتمالاً برای زندگی زناشویی مفیدتر است. از لحاظ درون فردی، عقاید مذهبی و پایبندی به آن‌ها فرد را قادر می‌سازد که از لحاظ فیزیولوژیکی، شناختی و عاطفی خشم خود را کنترل کند و در درگیری‌های زندگی مسئولیت خود را بپذیرد و بهبود کلی تفکر را در پی‌خواهد داشت. از لحاظ بین فردی، عقاید مذهبی، شرایطی را فراهم می‌کند که در هنگام عصبانیت، خدا را در نظر بگیرند و با ایجاد یک حمایت از زوجین، سبب می‌شود که آن‌ها از تنش و تعارض اجتناب کنند. بدین طریق جهت‌گیری مذهبی درونی نقش تعاملی و جبرانی در روابط زناشویی دارد (جعفری، نیسانی صمنی، فاطمی، تعاونی و اابوالقاسمی، ۲۰۱۵). دوم اینکه افراد با جهت‌گیری مذهبی درونی بیش از سایرین نسبت به تفاوت‌های مذهبی تحمل و پذیرش دارند. افراد با جهت‌گیری‌های مذهبی درونی به طور معمول به عنوان افرادی شرح داده می‌شوند که به دنبال درونی کردن اعتقادات مذهبی خود هستند و این باورها و اعتقادات یکی از جنبه های محوری زندگی خود می‌دانند و آن‌ها را در زندگی روزمره خود به کار می‌برند. آن‌ها تمایل دارند که نسبت به ایمان خود فردیت داشته باشند، بنابراین ممکن است آن‌ها لازم ندانند که با چگونگی عمل و رفتار دیگران، اعتقادات خود را تحت تأثیر قرار دهند. در مقابل افراد با جهت‌گیری مذهبی بیرونی تمایل دارند که در اعتقادات یا انجام فعالیت‌های مذهبی، همسرانشان را با خود همراه سازند در حالی که افراد با جهت گیری‌مذهبی درونی به احتمال کمتر چنین هم‌پوشانی را تشویق کنند (هوگس و دیکسون،[2] ۲۰۱۵). سوم اینکه جهت‌گیری مذهبی درونی باعث افزایش تاب‌آوری و کاهش تأثیر روانی وقایع استرس‌زا می‌شود. افراد دارای جهت‌گیری مذهبی درونی شناخت قوی‌تری از خود و جهان دارند که خودکارآمدی و خودکنترلی را در آن‌ها افزایش می‌دهد. افرادی که جهت‌گیری مذهبی درونی دارند، وقایع استرس‌زا را به عنوان یک چالش در نظر می‌گیرند، درحالی که افراد با جهت‌گیری بیرونی آن را تهدید قلمداد می‌کنند. لذا افراد با جهت‌گیری درونی احساسات مثبت بیشتری را تجربه می‌کنند، شادتر و خوشبین تر هستند و افراد با جهت‌گیری بیرونی مضطرب و افسرده‌اند (میرغفوروند، فرشباف خلیلی و قندبارهمایی، ۲۰۱۹). چهارم اینکه افراد با جهت‌گیری مذهبی درونی از یک نقطه نظر انتقادی یا فلسفی نسبت به دین و زندگی برخوردارند؛ بنابراین این افراد ممکن است به احتمال بیشتر این دید را در روابط خود منعکس کنند و با توجه به تعهد مذهبی بالای خود، ممکن است بیشتر متعهد به انجام وظایف مربوط به ازدواج باشند و به احتمال بیشتری در فرایندهایی زناشویی مولد و خلاق باشند. در این افراد مذهب عامل اصلی برای احساس

1 -Eckstein, Eckstein & Eckstein
2 -Hughes & Dickson

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-10-09]
[DOR: 20.1001.1.2383353.1400.10.5.8.6]

معنا در زندگی است و عمیقاً باور دارند که ازدواج آن‌ها یک امر مقدس است و می‌ترسند که نزاع عمیق، آن‌ها را از خدا دور کند؛ بنابراین حداکثر تلاش خود را می‌کنند تا ازدواج خود را حفظ کنند. در واقع افراد با جهت گیری درونی به شدت به آموزه های مربوط به دین در رفتارهای اجتماعی و تعاملات زناشویی پایبند هستند، لذا آن‌ها ممکن است از ایمان خود در چگونگی مدیریت روابط با یکدیگر در خلال درگیری‌های زناشویی، استفاده کنند؛ به عبارت دیگر این افراد تمایل به تمرین در محیط‌های بین فردی و یا عمومی دارند؛ بدین معنی که از مذهب برای پاسخگویی به نیازهای اجتماعی و بین فردی استفاده می‌کنند (مشیریان فراحی و همکاران، ۱۳۹۵؛ همایی و همکاران، ۲۰۱۶).

نتایج دیگر پژوهش نشان داده شد که قدردانی با رضایت زناشویی رابطه مثبت و معناداری دارد. این مسئله بدین معنا است که هرچقدر میزان قدردانی زوجین در رابطه بیشتر باشد، میزان رضایت زناشویی آن‌ها نیز افزایش خواهد یافت. این نتایج همسو با یافته‌های پژوهش محققانی چون کوبک و همکاران (۲۰۱۱)، گاردن و همکاران (۲۰۱۲)، جول و همکاران (۲۰۱۳)، آلگو و ژوانگ، (۲۰۱۶) و اوکاتل و همکاران (۲۰۱۶) پالمر (۲۰۱۸)، مگ نولتی و دوگاس، (۲۰۱۹)، لئونگ و همکاران (۲۰۲۰) است. در تبیین این نتیجه می‌توان گفت در صورتی که فرد احساس کند با دیگری رابطه عاطفی دارد و باور داشته باشد که واقعاً به رفاه و سلامت وی اهمیت می‌دهد، رابطه عالی و درونی کردن با اشتیاق روی می‌دهد (آقابابایی، ۱۳۸۹). هرچه افراد بتوانند به صورت کلامی و غیر کلامی از افرادی که آن‌ها را مورد لطف قرار داده‌اند، سپاس‌گزاری کنند، بهتر می‌توانند اطلاعات و احساسات خود را از طریق پیام‌های کلامی و غیرکلامی با دیگران در میان بگذارند که موجب تقویت ارتباط با آنها می‌شود و سلامت روانی و اجتماعی آنان را پیش از پیش بهبود می‌بخشد. همچنین سبب می‌شود که زن و شوهر در هماهنگی با تغییرات، حل تضادها و تعارضات، همبستگی بین اعضا، موفقیت در اعمال الگوهای انضباط و رعایت حد و مرز بین افراد و اجرای مقررات و اصول بر این نهاد با هدف حفاظت از کل نظام خانواده به خوبی عمل کنند و در نهایت رضایت زناشویی بالاتری را تجربه کنند (رضوانی زاده و نامور، ۱۳۹۵). به عبارتی هرچقدر احساس و بیان قدردانی در زوجین افزایش یابد، رابطه بین آن‌ها بهبود می‌یابد؛ زیرا احساس قدردانی اغلب شرکای زندگی را تحت تأثیر قرار می‌دهد تا وقت و انرژی بیشتری را در رابطه سرمایه‌گذاری کنند. همچنین رفتارهایی که به صورت انحصاری تقویت کننده رابطه هستند، افزایش می‌دهد و روابط در طولانی مدت تقویت می‌شود (آلگو، کورتز و هیلیر[1] ۲۰۱۶). در واقع قدردانی به واسطه ایجاد انگیزه جهت مشارکت در رابطه و انجام رفتارهای تقویت‌کننده رابطه، به زوجین کمک می‌کند تا رابطه قوی‌تری باهم داشته باشند (آلگو و وی،[2] ۲۰۱۴؛ آلگو و ژوانگ،[3] ۲۰۱۶). قدردانی و پرورش آن در روابط زناشویی، تعامل مثبت را تقویت می‌کند که برای حفظ رابطه زناشویی موفق حیاتی هستند؛ زیرا زوج‌هایی که مورد قدردانی قرار می‌گیرند و قدردانی می‌کنند، حل اختلاف بیشتری دارند و احساس ارزشمندی بیشتری می‌کنند. این کارکردهای قدردانی در ازدواج کمک می‌کند تا نیازهای انسان به ارزشمند بودن، میل به ارتباط با عزیزان و انگیزه برای حفظ روابط شخصی افزایش یابد (پالمر،[4] ۲۰۱۸). در وهله اول بیان قدردانی یک وسیله بالقوه برای برآورده کردن تمایل شریک زندگی به احساس ارزشمند بودن است؛ احساسی که در انتخاب یک رابطه طولانی مدت مؤثر تلقی می‌شود (چانگ و همکاران،[5] ۲۰۱۳؛ گوردن و آمیت و اسمیت،[6] ۲۰۱۱؛ لامبرت و فینچام،[7] ۲۰۱۱). سپاس‌گزاری و شنیدن آن از شریک زندگی، یک رابطه را با تقویت احساس امنیت و اعتماد قوی می‌کند؛ مادامی که این عبارت‌ها صادقانه باشد (لئونگ،[8] ۲۰۰۹؛ گوردن و همکاران، ۲۰۱۱). ارتباط عاطفی به عنوان یکی از رایج‌ترین اثرات قدردانی در ازدواج یا روابط طولانی مدت در نظر گرفته می‌شود، زیرا احساس قدردانی و بیان آن دو راه تشویق سبک دلبستگی سالم است (آلگو، فریدریکسون[9] و گابل، ۲۰۱۳؛ آلگو و همکاران، ۲۰۱۶؛ آلگو و ژوانگ، ۲۰۱۶).

1 -Kurtz & Hilaire
2 -Way
3- Zhaoyang
4 -Palmer
5 -Chang, Teng, Berki, Chen
6 -Gordon, Arnette, Smith
7 -Lambert & Fincham
8 -Leong
9 -Fredrickson

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-10-09]
[DOR: 20.1001.1.2383353.1400.10.5.8.6]

همچنین تحلیل داده‌ها نشان داد که قدردانی در رابطه جهت‌گیری مذهبی و رضایت زناشویی نقش واسطه را دارد. بدین معنا که جهت‌گیری مذهبی درونی سبب افزایش قدردانی می‌شود و جهت‌گیری مذهبی بیرونی آن را کاهش می دهد. افزایش قدردانی بهبود رضایت زناشویی را درپی دارد و کاهش قدردانی، رضایت زناشویی را تضعیف می‌کند. در تبیین این یافته می‌توان گفت که بلوغ دینی عامل مهمی برای قدردانی است. به میزانی که افراد در فعالیت‌های مذهبی شرکت می‌کنند و دین بیشترین تأثیر را در زندگی آن‌ها داشته باشد، میزان سپاسگزاری و قدردانی آن‌ها در زندگیشان بیشتر می‌شود؛ زیرا سپاسگزاری از خداوند و دیگران از ملاک‌های ایمان آن‌ها محسوب می شود (سانگ و همکاران[1] ۲۰۱۲). قدردانی یک امر اساسی در تمام ادیان جهان است و به شکل عقاید پایه، رویدادها و دعاها در زندگی درآمده‌اند. کتاب مقدس عبری، کتاب عهد جدید مسیحیان و قرآن از قدردانی و سپاسگزاری به عنوان تقوای اصلی یاد می‌کنند. همچنین مسیحیت، یهودیت و اسلام می‌آموزند که یکی از اهداف خلقت انسان، قدردانی از خداوند است. در یهودیت، قدردانی یکی از مؤلفه های مهم عبادت است و در هر جنبه از زندگی روزمره عبادت کنندگان پرورانده می‌شود. در مسیحیت خداوند، بخشنده همه هدیه‌ها و چشمه نهایی قدردانی است (اموند و هیل[2] ۲۰۰۱). اسلام تأکید می‌کند که در هر شرایطی باید ستایش‌گر و شکرگزار خداوند بود. قران کریم بیش از هرچیزی از عبارات قدردانی پر شده است. پیامبر اکرم (ص) می‌فرمایند: صبر نیمی از ایمان و نیمی دیگر شکرگزاری و قدردانی است. به نظر می‌رسد افرادی که در فعالیت های مذهبی حضور فعالی دارند و از لحاظ جهت‌گیری مذهبی درونی هستند، در مقایسه با افرادی که به این مسائل توجه ندارند و جهت‌گیری مذهبی بیرونی دارند، سطح بالاتری از قدردانی را گزارش کرده‌اند (لامبرت و همکاران، ۲۰۱۱). در همین راستا آلپورت[3](۱۹۵۴؛ ۱۹۶۴) تأکید می‌کند افرادی که در جهت‌گیری درونی نمره بالایی کسب می کنند، کسانی هستند که زندگی و مفهوم خود را پیرامون مذهب و آموزه های دینی سازماندهی می‌کند و باید در روابط اجتماعی خود قدردانی بیشتری را نشان دهند. سپاسگزاری از خالق به خاطر همه نعمت‌هایی که به انسان داده است می‌تواند این عمل را به صفتی دائم در شخصیت تبدیل کند، به گونه‌ای که فرد نه تنها از خداوند، بلکه به سبب یک تجربه یا نتیجه مثبت به دلیل رفتار متفکرانه و پاسخگویانه شخص دیگر در زندگی تیز قدردان آن‌ها باشد (سانگ و همکاران، ۲۰۱۲). از طرفی دیگر اشخاصی که سطح بالایی از قدردانی از شریک زندگی خود را گزارش می‌دهند، به واسطه درگیری در رفتارهایی که نگهدارنده رابطه هستند و راحتی بیشتر در بیان مسائل نگران کننده در رابطه دارند، تعهد، رضایت و شادی، کیفیت و ثبات بیشتری را تجربه می کنند (آلگو و همکاران، ۲۰۱۰؛ کوباکا و همکاران[4] ۲۰۱۱؛ گردون و همکاران[5] ۲۰۱۲؛ جویل و همکاران[6] ۲۰۱۳؛ بارتون و همکاران[7] ۲۰۱۵) و با گذشت زمان رابطه آن ها با شریک زندگیشان قوی‌تر می‌شود (لامبرت و همکاران، ۲۰۱۰؛ لامبرت و فینچام، ۲۰۱۱).

این پژوهش با محدودیت‌هایی نیز روبه‌رو بود که به شرح زیر است: نخست اینکه نتیجه‌گیری علی از نتایج پژوهش حاضر به سبب ماهیت داده‌های پژوهش (همبستگی) شدنی نیست. لذا پیشنهاد می‌گردد پژوهش‌های آتی با به کارگیری مطالعات طولی یا آزمایشی نتایج پژوهش حاضر را مورد سنجش قرار دهند. دوم، جمعیت مورد بررسی، تنها معلمان و مهارت آموزان معلمی بودند، از این رو تعمیم نتایج پژوهش به جمعیت‌های دیگر با محدودیت روبرو است. لذا پیشنهاد می‌گردد بررسی‌های مشابه بر روی سایر گروه‌ها از جمله زنان خانه‌دار انجام گیرد. سوم، به دلیل اینکه نمونه تنها شامل زنان متأهل بود امکان مقایسه تفاوت‌های جنسیتی وجود نداشت، لذا پیشنهاد می‌گردد در پژوهش های آتی تفاوت‌های جنسیتی مد نظر قرار داده شود. چهارم، استفاده از ابزار خودسنجی به عنوان تنها ابزار پژوهش از دیگر محدودیت تحقیق حاضر است. از این پیشنهاد می‌گردد در کنار داده‌های خودسنجی، از سایر ابزار نظیر مصاحبه به کار برده شود تا از سوگیری ناشی از ماهیت داده‌ها جلوگیری شود. همچنین انجام پژوهش با نمونه‌های بزرگ‌تر می‌تواند روابط جدیدی را آشکار کند و منجر به نتایج گسترده شود. نتایج به دست آمده از این مطالعه می‌تواند برای مشاوران خانواده و روان شناسانی که با زوجین کار می‌کنند، مفید

1 -Tsang, Schulwitz & Carlisle
2 -Emmons & Hill
3 -Allport
4 -Kubacka, Finkenauer, Rusbult & Keijsers
5 -Gordon, Impett, Kogan, Oveis, Keltner
6 -Joel, Gordon, Impett, Macdonald, Keltner
7 -Barton, Futris , Nielsen, Gordon, Impett, Kogan, Oveis Keltner

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-10-09]
[DOR: 20.1001.1.2383353.1400.10.5.8.6]

باشد. گسترش چنین پژوهش هایی می‌تواند در پیشگیری بسیاری از مشکلات زناشویی که منجر به از هم‌پاشیدگی کانون خانواده شود، نیز مؤثر باشد.

منابع

آقابابایی، ن. (۱۳۸۹). نقش احساس قدردانی در رضایت از زندگی. *روانشناسی دین* ، ۲ (۳) ، ۳۹-۵۲.

رضوانی زاده ، ا. و ناموار ، ه. (۱۳۹۵). رابطه بخشش و سپاسگزاری از نقش واسطه گری عوامل بین فردی در عملکرد خانواده همسران دیابتی. *مجله پیشرفتهای نوین در علوم رفتاری* ، ۱ (۵) ، ۵۱-۶۸.

جان‌بزرگی، م. (۱۳۷۶). *اثربخشی روان درمانی با و یا بدون جهت گیری مذهبی بر اضطراب و کنترل استرس*. رساله دکتری ، دانشگاه تربیت مدرس.

سلیمانیان ، ع. ا. (۱۳۷۳). *تأثیر تفکر غیر منطقی براساس رویکرد شناختی و نارضایتی زناشویی*. پایان نامه کارشناسی ارشد ، دانشگاه تربیت معلم.

صدری دمیرچی ، ا.، مجرد ، آ.، و پیرقلی کیوی ، م. (۱۳۹۷). مقایسه منبع کنترل ، اعتقادات غیر معقول و جهت گیری مذهبی در طلاق و زنان معمولی در اردبیل در سال ۲۰۱۶. *مجله دین و سلامت* ، ۵ (۴)، ۸۷- ۷۳.

مشیریان فراحی ، س. م. م.؛ اصغری ابراهیم آباد ، م. ج.؛ مشیریان فراحی ، س. م.؛ رزاقی کاشانی ، ش.، و توکلی ، ح. (۱۳۹۵). رابطه نگرش مذهبی با رضایت زناشویی ، سلامت روانی و تاب آوری در کارکنان زندان. *مجله روانشناسی دین و سلامت*. ۲ (۲) ، ۳۳- ۲۴.

نریمانی ، م.؛ عباسی ، م.؛ بیگیان کوله مرز ، م. ج.، و بختی ، م. (۱۳۹۳). مقایسه اثربخشی دو رویکرد مبتنی بر آموزش پذیرش و تعهد و روان درمانی گروهی در تنظیم طرحهای ناسازگار اولیه در مشتریان طلاق. *مشاوره خانواده و روان درمانی*، ۱ (۴) ، ۱-۲۸.

Abdullah, Q. D. (2017). *Marital satisfaction and religiosity in the African-American Muslim community*. A dissertation submitted to the Temple University Graduate Board. In Partial Fulfillment of the Requirements for the Degree Doctor of Philosophy.

Allen W. B., Ted G. F., & Robert B. N. (2015). University of Georgia Linking financial distress to marital quality: The intermediary roles of demand/withdraw and spousal gratitude expressions. *Personal Relationships*, 22, 536–549.

Algoe, S. B., Gable, S. L., & Maisel, N. C. (2010). It's the little things: Everyday gratitude as a booster shot for romantic relationships. *Personal Relationships*, 17, 217–233.

Algoe, S. B., Fredrickson, B. L., & Gable, S. L. (2013). The social functions of the emotion of gratitude via expression. *Emotion*, 13(4), 605-609.

Algoe, S, B., Kurtz, L. E., & Hilaire, N. M. (2016). Putting the "You" in "Thank You" Examining Other-Praising Behavior as the Active Relational Ingredient in Expressed Gratitude. *Soc Psychol Personal Sci*, 7(7), 658–666.

Algoe, S. B., & Zhaoyang, R. (2016). Positive psychology in context: Effects of expressing gratitude in ongoing relationships depend on perceptions of enactor responsiveness. *The Journal of Positive Psychology*, 11, 399–415.

Algoe, S. B., & Way, B. (2014). Evidence for a role of the oxytocin system, indexed by genetic variation in CD38, in the social bonding effects of expressed gratitude. *Social Cognitive and Affective Neuroscience*, 9, 1855–1861.

Allport, G. W., & Ross, J. M. (1967). Personal religious orientation and prejudice. *Journal of Personality and Social Psychology, 5*, 432–443.

Allport, G. W. (1954/1979). *The nature of prejudice*. Cambridge, MA: Perseus Books.

Barker, E. (2015). *Four rituals that will make you happy*. New York Times.

Barton, A., Futris, T., & Nielsen, R. (2015). Linking financial distress to marital quality: The intermediary roles of demand/withdraw and spousal gratitude expressions. *Personal Relationships*, 22(3), 536-549.

Berger, K. A., Lynch, J., Prows, C. A., Siegel, R. M., & Myers, M. F. (2013). Mothers' perceptions of family health history and an online, parent generated family health history tool. *Clinical Pediatrics*, 52, 74-81.

Braithwaite, S. R., Gwen L. C., Kersti S., Will D., Austin R. B., Kelli D., Cassidy D., & Dustin, J. (2015). The influence of religion on the partner selection strategies of emerging adults. *Journal of Family*, 36, 212–31.

Bloch, L., Haase, C. M., & Levenson, R. W. (2014) Emotion regulation predicts marital satisfaction: More than a wives' tale. *Emotion*, 14, 130-144.

Chang, Y., Li, T., Teng, H.Y., Berki, A., Chen, L.H. (2013). Living with gratitude: spouse's gratitude on one's depression. *Journal of Happiness Studies*, 14(4),1431-42.

David, P.; Stafford, L. A (2013). Relational Approach to Religion and Spirituality in Marriage: The Role of Couples'Religious Communication in Marital Satisfaction. *Journal of Family Issues*, 36(2), 232-249.

David, P., & Stafford, L. (2015). A relational approach to religion and spirituality in marriage: The role of couple's religious communication in marital satisfaction. *Journal of Family*, 36, 232-249.

Eckstein, D.; Eckstein, S.; Eckstein, D. (2013). Creating Respect in Couples: The Couple's Respect Questionnaire (CRQ). *The Family Journal*, 22(1), 98-104

Emmons, R. A., & Hill, J. (2001*). Words of gratitude -for mind, body, and soul*. Pennsylvania: Templeton Foundation Press.

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-10-09]

[DOR: 20.1001.1.2383353.1400.10.5.8.6]

Emmons, R. A., & McCullough, M. E. (2003). Counting blessings versus burdens: An experimental investigation of gratitude and subjective wellbeing in daily life. *Journal of Personality and Social Psychology*, 84, 377–389.

Feldhaus M., Heintz-Martin, V. (2015). Long-term effects of parental separation: Impacts of parental separation during childhood on the timing and the risk of cohabitation, marriage, and divorce in adulthood. *Advances in Life Course Research*, 26, 22-31.

Fuentes, M. D. M. S., Iglesias P. S. (2014). A systematic review of sexual satisfaction. *International Journal of Clinical and Health Psychology*, 14 (1), 67-75.

Gordon, C.L., Arnette, R. A., Smith, R. E. (2011). Have you thanked your spouse today? felt and expressed gratitude among married couples. *Personality and Individual Differences*, 50(3), 339-343.

Gordon, A. M., Impett, E. A., Kogan, A., Oveis, Cs Keltner, D. (2012). To have and to hold: gratitude promotes relationship maintenance in intimate bonds. *J Pers Soc Psychol*, 103(2), 257-274.

Göcen. G. (2012). The Relationships among gratitude, appreciation, psychological well-being and religious orientation: an empirical study with Turkish sample. *Journal of Intercultural and Religious Studies*, 3, 49-70.

Hajihasani, M., & Sim, T. (2019). Marital satisfaction among girls with early marriage in Iran: emotional intelligence and religious orientation. *International Journal of Adolescence and Youth*, 24(3), 297-306.

Hashemiyeh, C., Azgoli, G., Abolmali, K., & Nasiri, M. (2017). Investigating the relationship between personality characteristics and marital satisfaction based on the five-factor personality model: systematic review. *Journal of Kurdistan University of Medical Sciences*, 5 (22), 121-132.

Homaei, R., Dasht Bozorgi, Z., Sadat Mirbabaei Ghahfarokhi, M., & Hosseinpour, SH. (2016). Relationship between Optimism, Religiosity and Self-Esteem with Marital Satisfaction and Life Satisfaction. *International Education Studies*, 9 (6), 53-61.

Hughes, P. C., Dickson, F. C. (2015). Communication, Marital Satisfaction, and Religious Orientation in Interfaith Marriages. *Journal of Family Communication*, 5(1),25-41.

Iman, M.Taghi., Lahsaeizadeh, A. and Yadali Jamaloei, Z.(2014). Religious Orientation and Marital Satisfaction. JISS, 8(4), 22-34.

Jafari, F., Neisani Samani, L., Fatemi, N., Ta'avoni, S., Abolghasemi, J. (2015). Marital satisfaction and adherence to religion. *J Med Life*, 8(4), 214-218.

Joel, S., Gordon, A. M., Impett, E. A., Macdonald, G., Keltner, D. (2013). The things you do for me: perceptions of a romantic partner's investments promote gratitude and commitment. *Pers Soc Psychol Bull*, 39(10),1333-1345.

Kubacka, K. E., Finkenauer, C., Rusbult, C.E., & Keijsers, L. (2011). Maintaining Close Relationships: Gratitude as a Motivator and a Detector of Maintenance Behavior. *Personality and Social Psychology Bulletin*, 37(10), 1362–1375.

Langlais, M., & Schwanz, S. (2017). Religiosity and Relationship Quality of Dating Relationships: Examining Relationship Religiosity as a Mediator. *Religions*, 8, 187.

Lambert, N. M., & Fincham, F. D. (2011). Expressing gratitude to a partner leads to more relationship maintenance behavior. *Emotion*, 11(1), 52-60.

Lavner J. A, Clark M. A. (2017). Workload and marital satisfaction over time: Testing lagged spillover and crossover effects during the newlywed years. *Journal of Vocational Behavior*, 101, 67-76.

Leong, L. T. J. (2009). *Gratitude in an on-going dyadic relationship: The effects of feeling and expressing gratitude on marital satisfaction among married couples*. A Thesis Submitted in Parial Fulfillment of the Requirements for the Degree of Phd in Psychology. The Chinese University of Hong Kong.

Leong, J.L.T., Chen, S.X., Fung, H.H.L., Bond, M.H., Siu, N.Y.F., Zhu, J.Y. (2020). Is Gratitude Always Beneficial to Interpersonal Relationships? The Interplay of Grateful Disposition, Grateful Mood, and Grateful Expression Among Married Couples. *Pers Soc Psychol Bull*, 46(1):64-78.

McCullough, Michael E., Emmons, Robert A., Tsang, Jo-Ann. (2002). The Grateful Disposition: A Conceptual and Empirical Topography. *Journal of Personality and Social Psychology*, 82 (1), 112–127.

McNulty, J.K., & Dugas, A. (2019). A dyadic perspective on gratitude sheds light on both its benefits and its costs: Evidence that low gratitude acts as a "weak link". *J Fam Psychol*, 33(7), 876-881.

Mirghafourvand, M., Farshbaf-Khalili, A., & Ghanbari-Homayi, S. (2019). Marital Adjustment and Its Relationship with Religious Orientations Among Iranian Infertile and Fertile Women: A Cross-Sectional Study. *Journal of Religion and Health*. 58, 965–976.

O'Connell, B. H., O'Shea, D., & Gallagher, S. (2016). Enhancing social relationships through positive psychology activities: A randomized controlled trial. *The Journal of Positive Psychology*, 11(2), 149-162.

Olson, D. H.; McCubbin, H.I.; Barnes, H.L.; Muxen, M.J.; Larsen,A.S. and Wilson, M.A. (1989). Families. *Therapy*, 27(1), 123-136.

Olson, D. H., & Defray, J. (2016). *Marriages & families' intimacy, diversity and strengths* (5th Ed). New York: McGraw-Hill.

Palmer, K. R. (2018). The Expression of Gratitude as a Contributor to Marital Strength. *The BYU Undergraduate Journal in Psychology*, 13 (2).

Rostami, M.; Taheri, A.; Abdi, M.; Kermani, N. (2014). The Effectiveness of Instructing Emotion-focused Approach in Improving the Marital Satisfaction in Couples. *Procedia - Social and Behavioral Sciences*,114:693-698.

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-10-09]
[DOR: 20.1001.1.2383353.1400.10.5.8.6]

Tavakol, Z., Moghadam, Z. B., Nasrabadi, A. N., Iesazadeh, N., Esmaeili, M. (2016). Marital Satisfaction Through the Lens of Iranian women. *The pan African Medical journal*, 25,208.

Tsang, J.-A., Schulwitz, A., & Carlisle, R. D. (2012). An Experimental Test of the Relationship Between Religion and Gratitude. *Psychology of Religion and Spirituality*, 4(1),40-55.

Wynne, K. T. (2016). *Exploring Crossover Effects Among Working Spouses Through The Lens Of Social Cognitive Theory: Soc And Work-Family Conflict*. Wayne State University Dissertations.

Yeganeh, T., & Shaikhmahmoodi, H. (2013). Role of Religious Orientation in Predicting Marital Adjustment and Psychological Well-Being. *Sociology Mind*, 3(2), 131-136.

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-10-09]

[DOR: 20.1001.1.2383353.1400.10.5.8.6]